

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e31

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Plague Disease, Prevention and Treatment (Manuscript Review "Maintaining Health or Letter of advice Solaimani")

Sajad Dadfar¹, Parvin Rostami^{1*}

1. Department of History, Faculty of Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The present study is based on a manuscript called "Maintaining health or Soleimani's Letter of advice" written by an Iranian medical named Mohammad Hakim ibn Mubarak in the Ottoman court in the Sixteenth century. The main mission of this book is solutions for the prevention and treatment of plague, which has included it in the collection of cholera diseases.

Methods: To examine this manuscript, the library method and the content analysis method have been used. In this method, fidelity is observed in citing the content and Lack of bias.

Ethical Considerations: In the review of the said manuscript, it has been tried to be faithful in citing its contents and other researches used and to avoid partiality in expressing the contents.

Results: To prevent the plague, the presence of air flow in the living space, avoiding contact with others and strengthening the body physically and mentally is very useful.

Conclusion: The main goal of the physician in writing the book was strategies for the prevention and treatment of plague. The infection of this disease was spread through the air and not being exposed to the flow of polluted air and maintaining the cleanliness of the living place by incense of some fragrant plants is effective in softening the air in preventing the occurrence of the disease. Maintaining the health of the body with foods, beverages and herbal medicines is also useful in repelling the disease, and calmness and avoiding delusions and fears are very helpful in strengthening the patient's psychology in the face of the disease

Keywords: Plague; Diseases Cholera; Maintaining Health; Letter of Advice Solaimani; Mohammad Hakim ibn Mubarak

Corresponding Author: Parvin Rostami; **Email:** Parvin.rostami@yahoo.com

Received: March 10, 2022; **Accepted:** July 23, 2022; **Published Online:** November 12, 2022

Please cite this article as:

Dadfar S, Rostami P. Plague Disease, Prevention and Treatment (Manuscript Review "Maintaining Health or Letter of advice Solaimani"). *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2022; 14(47): e31.



مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۱



بیماری طاعون، پیشگیری و درمان

(بررسی نسخه خطی «حفظالصحه؛ نصیحتنامه سلیمانی»)

سجاد دادفر^۱، پروین رستمی^{۱*}

۱. گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر مبتنی بر نسخه خطی به نام «حفظالصحه یا نصیحتنامه سلیمانی» نگارش طبیبی ایرانی به نام محمد حکیم بن مبارک در دربار عثمانی در قرن دهم قمری است. رسالت اصلی این کتاب راهکارهایی برای پیشگیری و درمان بیماری طاعون است که آن را جزء مجموعه بیماری‌های وبایی قرار داده است.

روش: برای بررسی این نسخه خطی شیوه کتابخانه‌ای و روش تحلیل محتوا به کار رفته است. در این مسیر امانتداری در استناد به مطالب ارجاع داده شده و عدم جانبداری رعایت شده است.

ملاحظات اخلاقی: در بررسی نسخه خطی مزبور سعی شده است امانتداری در استناد به مطالب آن و سایر پژوهش‌های دیگر مورد استفاده رعایت شود و از جانبداری در بیان مطالب پرهیز شود.

یافته‌ها: برای جلوگیری از ابتلا به بیماری طاعون، وجود جریان هوا در محیط زندگی، پرهیز از تماس با دیگران و تقویت بدن از نظر جسمی و روانی بسیار مفید است.

نتیجه‌گیری: هدف اصلی طبیب در نگارش کتاب، راهکارهایی برای پیشگیری و درمان بیماری طاعون بود. بر اساس کتاب، عفونت این بیماری از طریق هوا گسترش می‌یافت و قرارنگرفتن در معرض جریان هوای آلوده و حفظ نظافت مکان زندگی با بخور برخی گیاهان خوشبو در تلطیف هوا در پیشگیری از بروز بیماری مؤثر بود. حفظ سلامتی بدن نیز با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و داروهای گیاهی در دفع بیماری مفید واقع می‌شد و آرامش و دوری از وهم و ترس در تقویت روانی بیمار در مقابله با بیماری بسیار راهگشا بود.

واژگان کلیدی: طاعون؛ بیماری وبایی؛ حفظالصحه؛ نصیحتنامه سلیمانی؛ محمد حکیم بن مبارک

نویسنده مسئول: پروین رستمی؛ پست الکترونیک: Parvin.rostami@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Dadfar S, Rostami P. Plague Disease, Prevention and Treatment (Manuscript Review "Maintaining Health or Letter of advice Solaimani"). *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e31.

مقدمه

در گذشته بیماری طاعون در زمره بیماری‌های وبایی قرار می‌گرفت. طبیبان و حکیمان در آثاری که از خود به جای گذاشته‌اند، بیماری طاعون را در زیرمجموعه بیماری وبا قرار داده‌اند و با عبارتهای «تب وبایی» و «هوای وبایی» بیماری‌های مسری که دامن‌گیر مردم می‌شد، توصیف می‌کردند. پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل نسخه خطی از طبیبی ایرانی در دربار عثمانی در قرن دهم قمری/ شانزدهم میلادی می‌پردازد و به دنبال بررسی پرسشی است؛ حفظ‌الصحه در بیماری طاعون در کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» با چه روش‌هایی ممکن بود؟ محمد حکیم بن مبارک در کتابش به بررسی و دستیابی روش‌هایی برای درمان، مقابله و پیشگیری در بیماری طاعون است و سعی در ارائه راهکارهایی در این زمینه دارد. در این پژوهش نگرشی که پیشینیان نسبت به چگونگی شیوع و درمان بیماری طاعون داشته‌اند و در این نسخه خطی بروز یافته بازگو و بررسی می‌شود.

بیماری طاعون از عهد باستان شناخته شده بود و پیوسته مورد وحشت مردم بود. حداقل سه پاندمی بزرگ طاعون رخ داده است که موجب نابودی گروه کثیری از مردم شده است. اولین پاندمی قطعی در قرن ششم بعد از میلاد مسیح و دومین پاندمی عمده در قرن چهاردهم اتفاق افتاد و به «مرگ سیاه» موسوم شد و بالاخره آخرین پاندمی بزرگ در سال ۱۸۹۴ در چین آغاز گشت و سرانجام به تمام قاره‌ها انتشار یافت (۱). در قرن چهاردهم میلادی بیماری از طریق آسیای مرکزی به اروپا راه یافت و موجب پاندمی دوم گردید که در تاریخ بنام طاعون سیاه ثبت شده است. این پاندمی در طول قرن هفدهم خاموش گردید (۲). فضای نگارش نسخه خطی که در این پژوهش بررسی می‌شود، در پاندمی دوم بود.

طاعون از لحاظ واژه شناسی به معنای مرگ عام یا وبا است. این کلمه از طعن عربی به معنای «نیزه‌زدن» گرفته شده است و به معنای «محل زخم نیزه» است. معادل انگلیسی این واژه Plague است که احتمالاً برگرفته از کلمه لاتین Plaga به معنی «ضربه، زخم و طوفان» است. در اصطلاح پزشکی دوره

اسلامی طاعون مرضی است کشنده با بثورات پوستی، بسیار سوزناک همراه با تب و همه‌گیری بود (۳). در تفکر طبیبان گذشته ورود هوای عفونی وبایی به بدن فرد، موجب فساد خلط و بروز بیماری طاعون می‌گردید (۴). بر اساس منابع تاریخ‌نگارانه نشانه و علائمی برای بیماری طاعون برشمرده‌اند. با وجود تأثیر هوای وبایی در همه‌گیری طاعون، شکل و نشانه‌های این دو بیماری با هم تفاوت داشت. نشانه‌های ابتلای یک فرد به طاعون، بروز ورم و آماسی گرم و بسیار سوزاننده در اعضای ضعیف بدن چون پستان، بیخ ران، بغل و پس گوش بود که با ایجاد ماده سمی، موجب فساد و تغییر رنگ در عضو برآمده و حوالی آن می‌گردید و سپس این ماده سمی طاعون از طریق شریان‌ها به قلب رسیده، موجب ایجاد حالاتی چون قی، غشی و خفقان می‌گردید. میزان خطر ورم و خیارک‌ها بسته به محل برآمدن و نوع رنگشان تغییر می‌کرد. بدین صورت که ورم‌های پس گوش، بیخ بغل و پستان به سبب نزدیکی به مغز و قلب و ورم‌های سیاه رنگ، خطرناک و کشنده بودند، اما ورم‌های سرخ رنگ یا متمایل به زرد و سبز، خاکستری و بنفش، خطر کمتری داشته و امکان بهبودی فرد مبتلا فراوان بود (۴). طب نوین توانسته عوامل بسیاری از بیماری‌های مسری را بیابد و در جهت پیشگیری و کاهش ابتلای آن گام بردارد. مسیری در طول تاریخ طی شد تا در عصر مدرن با تحولاتی که در امر پزشکی رخ داد راه‌های درمانی مؤثری یافت شوند، اما این مسیر تا دستیابی به کنترل بیماری‌ها هموار نبوده است. نگارش پژوهش‌هایی در رابطه با کنکاش در طب قدیم نشانگر تجربه زیسته انسان در این مسیر تاریخی است و ضرورت می‌یابد تا هر آنچه از پیشینیان باقی مانده بررسی شوند تا درمان، دارو، راه‌های پیشگیری و عوامل بیماری‌زا در طب قدیم و در قرون گذشته شناسایی شود. در این پژوهش به طور خاص نسخه خطی بررسی می‌شود که در رابطه با بیماری طاعون در قرن دهم قمری است و از آنجا که به دلیل استقبال کمتری که برای چاپ چنین کتاب‌ها و رساله‌های پزشکی به دلیل عدم کاربرد آن در دنیای امروز وجود دارد، می‌توان با انجام پژوهش‌های مستقل بر روی آن‌ها زمینه بررسی، شناسایی و معرفی آن‌ها فراهم شود. با نگارش

تدبیر آب و هوا مسأله «هوای وبایی» را در نظر می‌گیرند. از دیدگاه سنتی، هوای وبایی به علت تعفن و فساد جوهر هوا به وجود می‌آید. علائم این وضعیت وجود هوای گردآلود و دودآلود است که استنشاق آن باعث اذیت افراد می‌شود. از دیگر علائم هوای وبایی خارج‌شدن فصول سال از وضع طبیعی، زیادشدن مگس، حشرات و گزندگان در محیط و کاهش محصولات کشاورزی است. آلودگی محیطی مانند تجمع زباله و اجساد و تعفن آن‌ها، وجود منابع تولیدکننده بخارات سمی مثل معادن گوگرد و مرداب‌ها در اطراف شهر و موقعیت جغرافیایی شهرها مثل محصورشدن آن‌ها بین کوه‌ها باعث بروز هوای وبایی می‌شوند (۷).

۲. بیماری طاعون: برای بررسی بیماری طاعون در این پژوهش که بر مبنای کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» است و تفاوت طب نوین و طب سنتی به طور مختصر این بیماری در طب نوین معرفی می‌شود و در ادامه بیماری طاعون در کتاب مزبور بررسی می‌شود. طاعون به طور عمده عفونت جونندگان است که در اثر یرسینیا پستیس ایجاد می‌شود و از طریق گزش اکتوپارازیت‌های آلوده (به ویژه کک موش) به انسان منتقل می‌گردد. بیماری در انسان معمولاً به یکی از دو شکل عمده بالینی یعنی لنفاوئیت حاد (طاعون خیارکی) و یا پنومونی تظاهر می‌کند (۲). بیماری در انسان معمولاً با شروع ناگهانی تب شدید، لنفاونوپاتی و تراوش چرک از عقده‌های لنفاوی در محل ضایعه و ضعف مفرط مشخص می‌گردد. از آنجایی که در این شکل بالینی از بیماری عقده‌های لنفاوی بزرگ مولد چرک یا خیارک وجود دارد، به طاعون خیارکی موسوم است. گاهی پنومونی ثانویه ایجاد شده و سبب می‌شود به طور مستقیم از طریق دستگاه تنفسی از شخصی به شخص دیگر انتقال یابد. این شکل پنومونیک اولیه بیماری در انسان بسیار کشنده می‌باشد (۱).

شکل بوبونیک طاعون شایع‌تر است. دوره نهفتگی از چند ساعت تا ۱۲ روز متفاوت، ولی معمولاً بین ۲ تا ۵ روز است. شروع بیماری ناگهانی و اغلب توأم با لرز می‌باشد و حرارت بدن به ۴/۳۹ تا ۵/۴۱ درجه سانتیگراد افزایش می‌یابد. نبض

چنین پژوهش‌هایی اهمیت این مجموعه‌ها و نسخه‌های خطی نمایان شده و می‌توان در پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و پزشکی از آن استفاده کرد و میزان تأثیر خرافات و علم و تأثیر آن و نشانه‌های باقی‌مانده از آن‌ها را بررسی کرد.

روش

این پژوهش بر مبنای نسخه خطی «حفظ‌الصحه یا نصیحت‌نامه سلیمانی» از محمد حکیم بن مبارک مربوط به قرن دهم قمری است که به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و به طبع اطلاعات آن از کتاب‌ها و با روش فیش‌برداری اخذ شده است و روش تحلیل محتوا نیز در خوانش نسخه خطی به کار رفته است. نسخه خطی «حفظ‌الصحه یا نصیحت‌نامه سلیمانی» در آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی با شماره بازبایی ۶۲۳۶ در ۶۸ برگ و ۱۳۵ صفحه نگهداری می‌شود و برای یافتن آن در سایت کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه و موزه ملی ملک با واژگان کلیدی مانند «حفظ‌الصحه»، «وبا» و «طاعون» جستجو شد.

یافته‌ها

۱. هوای وبایی: در گذشته، بیماری‌های واگیردار که بسیاری از مردم را درگیر می‌کرد و تلفات گروهي به جا می‌گذاشت، در زمره وبا و طاعون قرار می‌دادند (۵). موارد متعددی از ظهور بیماری‌هایی چون وبا و طاعون در کتاب‌های مورخان نقل شده است که معمولاً با نام عام «امراض وبایی» خوانده می‌شدند. امراضی که ویژگی‌های مهلک‌بودن، تلفات فراوان و مسری بودن را داشتند جزء امراض وبایی قرار می‌گرفتند (۵). حکیمان طب ایرانی به طور گسترده به مبحث «وبا»، «تب‌های وبایی» و «هوای وبایی» در منابع مکتوب خود پرداخته‌اند. دانشمندان طب ایرانی «هوای وبایی» را عامل ایجاد طیفی از بیماری‌های واگیر از جمله وبا، طاعون، آبله و... که آن‌ها را «تب‌های وبایی» می‌نامیدند، می‌دانستند (۶). تدبیر اهوویه (آب و هوا) از مهم‌ترین مباحث حفظ‌الصحه در طب سنتی ایران است. در

غالباً تند و سقوط فشار خون وجود دارد. پوست روی غده لنفاوی مبتلا اغلب صاف و قرمز است. خیارک ممکن است چرکی شده و بعد از یک تا دو هفته خود به خود تخلیه گردد و در برخی موارد کاملاً جذب می‌شود. علاوه بر بزرگی غدد لنفاوی، بیمار از سر درد و اختلالات گوارشی نظیر بی‌اشتهایی، استفراغ و درد شکم شاکی است. به علت تأثیر توکسین طاعون بر عروق، تمایل به خونریزی زیاد است (۲). در بیماری طاعون ورم‌های نزدیک پشت گوش و زیر بغل خطرناک‌تر هستند، زیرا به اندام‌های حساس نزدیک هستند و رنگ‌های این ورم‌ها از سرخ و سپس کیود یا سیاه به ترتیب خطرناک‌تر می‌شود (۵).

بحث

۱. فضای زمانی نگارش کتاب: کتاب «حفظ‌الصحه یا نصیحت‌نامه سلیمانی» در زمان سلطان سلیمان قانونی (۹۷۴-۹۲۶ ق. / ۱۵۶۶-۱۵۲۰ م.) در عثمانی توسط طبیب ایرانی به نام محمد حکیم بن مبارک که در دربار عثمانی حضور داشت، در سال ۹۲۹ قمری نوشته شد و این کتاب را به او تقدیم کرده بود. کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» توصیه‌ها و روش‌هایی برای تقویت بدن و حفظ سلامتی در زمان شیوع بیماری‌های وبایی مانند طاعون دارد. علت اصلی که نویسنده کتاب برای شیوع بیماری وبایی به کار می‌برد «فساد هوا» است و شیوع بیماری را از طریق آلودگی هوا تعبیر می‌کند. طبیب نگارنده کتاب، «حفظ‌الصحه» را مقدم‌تر از معالجه بیماری می‌داند و بر این امر تأکید دارد که نخست باید بدن تقویت شود و سلامتی حفظ شود تا در زمان شیوع بیماری‌های وبایی، امکان مقاومت بدن در برابر آن وجود داشته باشد.

محمد بن مبارک قزوینی، معروف به حکیم شاه‌محمد، از شاگردان جلال‌الدین دوانی از علمای برجسته در قرن نهم قمری در شیراز بوده است. وی در طب مهارت داشت و با مسافرت به استانبول طبیب سلطان بایزید ثانی شد و در زمان سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانونی از پزشکان دربار شد. او در پزشکی کتاب شرح طب موجز و نصیحت‌نامه سلیمانی را تألیف کرد. وی در علوم دیگر آثاری مانند تفسیر سوره فتح،

می‌ساخت (۱۱). نسخه خطی «نصیحت‌نامه سلیمانی» در آرشیو کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این نسخه در فصول متعددی نگاشته شده است. ابتدا به مقدماتی در رابطه با تعریف هوا و تغییرات هوا در ایام وبا و ذکر فصول سال پرداخته است، سپس وبا و علت‌های سرایت امراض وبایی و چگونگی اثر تب وبایی را ذکر نموده و در ادامه بیماری طاعون را شرح داده و مقدماتی فلسفی از مرگ، خواب، حیات، شیطان

و جن را توضیح داده است. مابقی فصول نیز به علامت‌های وبا و تأثیر آن بر بدن و تدابیری در جهت درمان بیماری آمده است.

۲. چگونگی و علائم بیماری طاعون در نصیحت‌نامه سلیمانی: طبیب نگارنده با اشاره به لفظ «تب وبایی» در طاعون آن را جزو بیماری‌های مسری و مهلک قرار داده، حتی در مواردی در کتابش کلمه وبا را به جای بیماری طاعون آورده است. در مواردی که از تب وبایی و وبا نام برده علائمش با آنچه که با لفظ بیماری طاعون به کار می‌رود، متفاوت است. در تب وبایی و وبا علائمی مانند عفونت و یا حتی بدون عفونت، سرفه خشک، استسقا، غش و ضعف، احتمال بثورات پوستی است، اما در طاعون ورم‌هایی نمایان در کش بغل، پس گوش و کش ران است. در کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» به طور جداگانه هر کدام از علائم تب وبایی و طاعون آمده است. علائم بیماری طاعون به این شرح ذکر شده است، طاعون ورمی کشنده که در کش بغل، کنار گوش و کش ران ظاهر می‌شود، البته ورم‌هایی بزرگ مثل دمل و ورم‌های کوچک مانند آبله، حمزه و جمره نیز می‌توانستند کشنده باشند. ورم‌ها ناشی از عفونت در بدن است. ورم زمانی می‌توانست باعث هلاک و مرگ فرد شود که بدن نتواند عفونت و سم ورم را دفع کند. از علامت‌های وبا، زیادی بیماری طاعون و سایر بیماری‌های وبایی مثل تب وبایی است. تب وبایی تبی بود که حرارت بدن در آن کم است، اما اضطراب، تهوع، خستگی، کم‌اشتهایی زیاد است (۱۲).

طاعون بیشتر «در کش بغل، پس گوش و کش ران» ظاهر می‌شود. ماده سمی مانند یک دشمن قصد اعضای رییس بدن را می‌کند. اعضای رییس بدن «دل، دماغ و جگر» است. اگر ماده سمی قصد دل کند، طبیعت دل با کمک تمام اعضای بدن آن ماده را از دل دفع می‌کند و کش بغل که محل دفع فضلات دل است در کش بغل ریخته می‌شود و در آنجا به شکل ورم ظاهر می‌شود. این ورم طاعون است. اگر ماده سمی قصد دماغ کند، طبیعت او به کمک طبیعت تمام اعضای آن ماده سمی را از آن دفع می‌کند و به محل دفع فضلات او می‌ریزد و محل آن پس دو گوش است، زیرا که کنار دو گوش محل دفع فضلات دماغ است و اگر ماده سمی قصد جگر کند جگر به کمک تمام اعضای بدن آن را از آن محل دفع می‌کند و به محل دفع فضلاتش می‌ریزد و در آن محل ورم طاعونی پیدا می‌شود. ورم گاهی در سمت راست و گاهی در سمت چپ ظاهر می‌شود و این تمایل به علت نزدیکی ماده عفونی به آن قسمت است، هنگامی که دفع می‌شود. اگر ماده سمی قصد اعضای رییس بدن را نکند و قصد عضوی دیگر مثل معده، ریه، کلیه و... داشته باشد، طبیعت آن اعضا آن ماده سمی را به طرفی که آسان باشد، دفع می‌کند پس در عضوی دیگر ماده طاعونی ظاهر می‌شود و ورم پیدا می‌شود، ولی این احساسات کمتر است، اما چون ماده سمی بیشتر قصد اعضای رییس را دارد تمام اعضای بدن به آن‌ها کمک می‌کنند، چراکه بقیه بدن از آن‌ها منفعت برده‌اند (۱۲).

اگر عفونت بیمار زیاد نباشد گاهی تب وبایی در برخی افراد نمایان می‌شود، ولی اگر عفونت بیشتری بدن بیمار را فرا بگیرد تب و هیچ علامت دیگری ندارد، ولی بیماری طولی نمی‌کشد و بیمار می‌میرد، به طوری که طبیب علت مرگ را نمی‌تواند مشخص کند. نگارنده علائم بیماری وبا را در مقابله طبیعت با آن متفاوت می‌داند و در این مقابله علائم بسیاری ظاهر می‌شود که سبب بهبودی یا مرگ می‌شود و اگر طبیعت و مرض مقابله نکنند مرگ بدون علامت می‌شود، مثل اینکه بیمار بهبود می‌یابد، اما می‌میرد (۱۲).

۲. چگونگی و علائم بیماری طاعون در نصیحت‌نامه

سلیمانی: طبیب نگارنده با اشاره به لفظ «تب وبایی» در طاعون آن را جزو بیماری‌های مسری و مهلک قرار داده، حتی در مواردی در کتابش کلمه وبا را به جای بیماری طاعون آورده است. در مواردی که از تب وبایی و وبا نام برده علائمش با آنچه که با لفظ بیماری طاعون به کار می‌رود، متفاوت است. در تب وبایی و وبا علائمی مانند عفونت و یا حتی بدون عفونت، سرفه خشک، استسقا، غش و ضعف، احتمال بثورات پوستی است، اما در طاعون ورم‌هایی نمایان در کش بغل، پس گوش و کش ران است. در کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» به طور جداگانه هر کدام از علائم تب وبایی و طاعون آمده است. علائم بیماری طاعون به این شرح ذکر شده است، طاعون ورمی کشنده که در کش بغل، کنار گوش و کش ران ظاهر می‌شود، البته ورم‌هایی بزرگ مثل دمل و ورم‌های کوچک مانند آبله، حمزه و جمره نیز می‌توانستند کشنده باشند. ورم‌ها ناشی از عفونت در بدن است. ورم زمانی می‌توانست باعث هلاک و مرگ فرد شود که بدن نتواند عفونت و سم ورم را دفع کند. از علامت‌های وبا، زیادی بیماری طاعون و سایر بیماری‌های وبایی مثل تب وبایی است. تب وبایی تبی بود که حرارت بدن در آن کم است، اما اضطراب، تهوع، خستگی، کم‌اشتهایی زیاد است (۱۲).

اگر عفونت بیمار زیاد نباشد گاهی تب وبایی در برخی افراد نمایان می‌شود، ولی اگر عفونت بیشتری بدن بیمار را فرا بگیرد تب و هیچ علامت دیگری ندارد، ولی بیماری طولی نمی‌کشد و بیمار می‌میرد، به طوری که طبیب علت مرگ را نمی‌تواند مشخص کند. نگارنده علائم بیماری وبا را در مقابله طبیعت با آن متفاوت می‌داند و در این مقابله علائم بسیاری ظاهر می‌شود که سبب بهبودی یا مرگ می‌شود و اگر طبیعت و مرض مقابله نکنند مرگ بدون علامت می‌شود، مثل اینکه بیمار بهبود می‌یابد، اما می‌میرد (۱۲).

۳. بیانات محمد حکیم مبارک در عوامل بیماری طاعون:

شیوع بیماری طاعون به عواملی بستگی دارد، وبا و عفونت موجود در هوا باعث طاعون می‌شود، البته ممکن است کسی مبتلا به طاعون شود بدون اینکه هوا متعفن باشد. ممکن است فردی به عاملی غیر از هوای متعفن بیمار شود و این عامل ممکن است حرارت هوا یا حرارت خوردنی و آشامیدنی باشد، البته به تفاوت اعضای بدن بستگی دارد و هر جا که ضعیف باشد ورم ظاهر می‌شود. هوایی که از دهان بیمار خارج شود باعث آلودگی هوا و عفونت هوا می‌شود. اگر هوا هم مستعد عفونت باشد به واسطه غلظت و رطوبت هوا به بدن سرایت می‌کند و این عفونت هوا به هوایی دیگر منتقل می‌شود تا جایی که عفونت عمومی می‌شود و باعث فراگیری طاعون می‌گردد. بیماری و هوا بر هم تأثیرگذارند. از عفونت هوا طاعون به وجود می‌آید و از بیماری طاعون هم عفونت هوا ظاهر می‌شود، ولی عامل هوا بیشتر است و تفاوت میان این دو به علامت ظهور بیماری وبا است. اگر ابتدا علامت وبا ظاهر شود و سپس طاعون، پس بیماری طاعون از عفونت هوا ایجاد شده است. اگر هیچ علامت عفونت هوا نباشد و بیماری طاعون ظاهر و فراگیر شود، در این صورت طاعون باعث عفونت هوا شده و باعث مرگ مردم می‌شود (۱۲).

حکیم محمد بن مبارک به شیخ بوعلی سینا ارجاع داده که گاهی عامل سرایت وبا بادی است که هوای متعفن را از جای آلوده به مکانی دیگر می‌برد و هوای آن جا را نیز متعفن می‌کند و باعث وبا می‌شود. به گمان نویسنده وبای عامی که کتاب در آن سال نوشته شده (۹۲۹ ق.) و در آنادولی (عثمانی) شیوع پیدا کرد به علت عفونتی بود که در رودس بر اثر زیادی فضلات (آلودگی) ایجاد شده بود و باد آن‌ها را در شهرهایی که نزدیک رودس بود پراکنده کرد و در آن شهرها وبا پیدا شد. از آن شهرها نیز به شهرهای دیگر مثل کوتاهیه و بورس و... رسید. علت عفونت هوا بخاری بود که از زمین بیرون می‌آمد و چون با هوای محیط مخلوط می‌شد باعث عفونت هوای محیط و علت بیماری‌های وبایی می‌گردید (۱۲).

حکیم حتی عوامل ماورایی را نیز در شیوع طاعون دخیل می‌داند. از علامت‌های جوی بروز وبا، شهاب آسمانی بسیار بوده که به شکل آتش در هوا حرکت می‌کند و زیادی شهاب سنگ از علامت‌های وبا است، زیرا به نقل از اهل شرع، شهاب سنگ برای رجم و دفع شیاطین و جنیان است که هوای غلیظ را می‌سوزاند و همین هوای غلیظ باعث وبا و طاعون است. پس این هوای غلیظ جن است و علت طاعون هم جن است. «چنانکه دریا منبع حیوانات است کره هوا نیز منبع جنیان است و حیوانات مختلفه به صورت‌های دیگر در هوا بسیار است» و این حیوانات مختلف باعث بیماری می‌شوند، البته بعضی حیوانات می‌توانند بیماری را حس کنند و از محل خود فرار می‌کنند مانند موش که با هوش خود عفونت هوا را حس می‌کند و از خانه فرار می‌کند و چون بیرون خانه نیز متعفن است نمی‌داند کجا بگریزد ناچار سرگردان و حیران می‌ماند (۱۲). نتایجی که از بررسی عوامل بیماری‌زای طاعون در متن «تصحیح‌نامه سلیمانی» به دست می‌آید، بر این اساس است که عوامل بیماری‌زا بر اساس دو دسته بیماری وبا و بیماری طاعون قابل تقسیم‌بندی است و این «هوای وبایی» است که زمینه‌ساز بیماری طاعون هم می‌شود. با توجه به اینکه علائم بیماری وبا و طاعون که در قسمت قبل شرح داده شد، متفاوت بودند، این تفاوت بر روی عوامل بیماری‌زا نیز مؤثر بوده‌اند. هوا و انتقال هوای آلوده و عفونت موجود در آن منجر به بیماری وبا می‌شود، اما عفونت موجود در محیط باعث بیماری طاعون می‌گردد. در واقع ضعف ناشی از وبا، طاعون را در پی دارد. بنابراین پس از شکل‌گیری بیماری طاعون تماس با فرد بیمار و انتقال عفونت از فرد به دیگران سرایت بیماری را بیشتر می‌کند.

۴. راهکارهای پیشنهادی محمد حکیم مبارک در

پیشگیری محیطی طاعون: هوای پاک که نگارنده آن را به «هوای صاف و معتدل» تعبیر کرده است باعث سلامتی می‌شود، در غیر این صورت هوایی که گرد و غبار و دود و آلودگی دارد، برای انسان مضر است و باعث بیماری‌های تنفسی و روحی می‌شود. در جایی که هوا جریان دارد، هوا

اگرچه اصول پیشگیری بسیار به دوره مدرن نزدیک است، اما در رابطه با درمان بیماری طب قدیم کمتر درمانگر و همراه با خرافات بوده است، اما با این وجود راهکارهای مفید و مؤثری مخصوصاً از نظر روحی و روانی ارائه می‌دهد که با تقویت روحیه افرادی که در معرض بیماری هستند و یا بیمار می‌شوند امکان بهبود وجود دارد، اما از نظر بالینی و محیطی از طریق هر آنچه به آن دسترسی دارند و کاربرد طب سنتی و مزاج‌شناسی سعی در پیشگیری و بهبود وجود دارد. در زیر این سه عامل درمانی بر اساس نسخه خطی مورد بحث بررسی می‌شود:

۵-۱. بالینی: برای حفظ‌الصحه و تقویت بدن در ایام بیماری و بایستی طاعون بنا به نظر طبیب اصولی را باید رعایت کرد که در درمان و پیشگیری مؤثر هستند. در ایام وبا باید خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها سرد و خشک باشد تا خون کمی از آن به دست آید و خون بدن را اصلاح کند و بیمار تا گرسنه نشده، غذا نخورد و هنوز سیر نشده از غذا دست بکشد که این سبک غذا خوردن در ایام غیر از طاعون هم باعث حفظ سلامتی می‌شود. برای سلامتی بهتر است از یک نوع غذا بخورد و انواع غذاهای مختلف را در یک زمان نخورد که در هضم مشکل پیش می‌آید. غذاها در ایام وبا باید مایل به سردی و خشکی باشد. آش‌های ترش مانند آش سماق، آش زرشک، آش لیمو، آش نارنج، قلیه، سیب ترش و به ترش، آش عدس با آب نارنج مناسب هستند و در آش‌ها سرکه، آب لیمو یا آب غوره استفاده کنند. در ایام وبا گوشت کمتر بخورند و اگر بخورند با ترشی‌ها بخورند تا دفع ضررهای آن شود. از خوردن میوه‌ها در همه ایام باید دوری کرد مخصوصاً در ایام وبا، اما میوه‌های ترش مثل انار ترش و سیب ترش کمتر ضرر دارد، اما خربزه شیرین و هندوانه شیرین احتمال ضرر دارد. در ایام وبا باید آب سرد نوشید تا عفونت را دفع کند و به هضم غذا کمک کند و اگر گاهی کمی آب لیمو به آب اضافه کنند، بهتر است. همچنین دوغ با یخ سرد منفعت دارد و جای آب و غذا را می‌گیرد. طبیب باید بیمار را وادار به خوردن غذا کند تا «از رطوبت طعام کیفیت سمیت در دل و سایر اعضای ریسه و

پاک می‌شود، حتی در یک خانه اگر جریان هوا وجود داشته باشد هوای «مکدر» بیرون می‌رود و خانه‌ای که به گونه‌ای است که باد نمی‌تواند در آن جریان داشته باشد، هوا در آن «ناصاف» است. بنابراین هوای «صحرای مکشوف» بهتر از خانه بسته است، اما در زمانی که وبا شیوع پیدا کرده است، خانه «غیر متعفن» بهتر از فضای باز است، زیرا احتمال دارد باد هوای متعفن را از جایی دیگر به فضای دیگر ببرد و آنجا را نیز آلوده کند. به نظر نویسنده در شهر بودن بهتر از فضای اطراف شهر است، زیرا فضای اطراف شهر هم آلوده شده است و توصیه‌اش برای پاک‌شدن فضای خانه استفاده از بخار فضولات حیوانات دریایی و غیر دریایی است. تأثیر هوای متعفن بستگی به پذیرش بدن و روح افراد دارد و تأثیراتش نیز متفاوت است و برخی افراد با اینکه هوای آلوده را تنفس می‌کنند، اما از اثر و ضرر وبا سالم می‌مانند. وبا بیشتر در فصولی از سال شیوع آن بیشتر است که هوای مرطوب و معتدل گرم یا سرد باشد. در نهایت مردم نهی شده‌اند از اینکه اگر در شهری طاعون زده باشند به جای دیگر نروند تا باعث سرایت و فراگیری و عمومیت طاعون در جای دیگر نشوند (۱۲). به طور کلی می‌توان گفت در کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» به سه عامل امکان پیشگیری محیطی و عدم سرایت از بیماری طاعون وجود دارد؛ اولین مورد باید در معرض جریان هوا و جا به جایی آن قرار گرفت، مخصوصاً در مواقعی که خطر بیماری مسری وجود دارد؛ دومین عامل تقویت سیستم ایمنی بدن از نظر روحی و جسمی است که در ابتلا و بالتبع در پیشگیری مؤثر است؛ سومین عامل در پیشگیری محیطی در بیماری طاعون عدم ارتباط افراد با یکدیگر و انتقال آن‌ها برای جلوگیری از سرایت بیشتر است. همانطور که بررسی می‌شود، پیشینیان نیز اصول اصلی پیشگیری را می‌دانستند، اما به دلیل عدم رشد علم پزشکی و عدم امکانات دارویی و مراقبت میزان تلفات و سال‌های درگیر در بیماری گسترش می‌یافت.

۵. اصول درمانی طاعون در نصیحت‌نامه سلیمانی: بر اساس محتویات کتاب «نصیحت‌نامه سلیمانی» سه روش بالینی، روانی و محیطی برای بهبود بیماری طاعون پیشنهاد می‌شود،

شریفه کمتر شود و موجب نجات گردد و بسیار باشد که طبیب جاهل این تب را بر سایر تبها قیاس کند و صاحب این تب را نگذارد که طعام بخورد و از این جهت او را به کثرت سمیه هلاک گرداند» (۱۲).

محمد حکیم برای جلوگیری از ابتلای ورم طاعون در زمانی که وبا شیوع دارد، توصیه به عدم پرخوری و پرکردن معده دارد. بنابراین به خواب و بیداری بیمار توجه شود و از خواب روز اجتناب کند، حتی در ایام غیر وبا در هر حالت بیداری بهتر است و باید توجه داشت در ایام وبا کم‌خوابی و کم‌خوری خوب است. ورم‌های عفونی طاعون از پرشدن زیاد معده ایجاد می‌شود، حتی طبیب برای جلوگیری از بیماری وبا توصیه می‌کند کمی گل منطقه‌ای که وبا در آن سرایت کرده با آب مخلوط کند و بنوشد تا از شر وبای آنجا سالم بماند و یا گل را در سرکه و گلاب حل کند و بنوشد (۱۲).

حرکت بدن در ایام وبا و بیماری وبایی چون باعث محرک اخلاط است و حرکت اخلاط در ایام وبا مناسب نیست، پس حرکت هم مناسب نیست «چون افراط سکون موجب رطوبت مزاجت و ماده عفونت رطوبتست پس افراط سکون نیز ملایم نیست» و حرکت زمانی باید انجام شود که غذا در معده هضم شده باشد. به طور کلی سکون در ایام وبا بهتر است از حرکت تا زمانی که به طور افراط نباشد. در ایام وبا باید به «استفراغ و احتباس» بدن توجه داشت که انواع آن «فصد و حجامت و حمام و عرق و جماع و قی و اسهال و ادرار و رعاف (خون بینی)» است، اما برای دفع برخی بیماری‌ها مانند وبا ناچار بعضی استفراغات مناسب است مثل فصد و حجامت. اسهال هم با بعضی ادویه‌های مسهله که قوی نباشد برای اعتدال مزاج مناسب است، «اما جماع و حمام هیچ کدام در ایام وبا مناسب نیست، زیرا که جماع محرک اخلاطست به حرکت جماعیه و حمام نیز حرکت به حرارت هوا و سبب عفونت نیز می‌شود» پس در ایام وبا از جماع باید اجتناب نمود، زیرا که باعث عفونت اخلاط می‌شود (۱۲).

۲-۵. روانی: طبیب به حالات روحی بیمار نیز توجه دارد و آنچه باعث غضب، وهم، خوف بیمار شود باید از او دور نگه

داشت، زیرا ترس سرایت بیماری طاعون مذموم است و باید دفع این ترس شود. بیمار خود را با حکایات و احادیث مشغول کند و حتی از آلات موسیقی چون عود و چنگ استفاده شود تا باعث شادی ذات بیمار شود. یکی از علت‌های سرایت بیماری‌های مسری مثل طاعون «وهم، خوف و ترس» از سرایت آن است و مردم «ترسناک و وهم ناک» در زمان همه‌گیری وبا زودتر به طاعون می‌میرند و علت تأثیر وهم این است که «قوت واهمه، سلطان قوت‌های باطنه است و بسیار تأثیر از او در بدن ظاهر می‌شود» پس «باید که آدمی در تقویت دل و رفع وهم کوشد»، حتی حکیم خرافات و شایعات بین مردم را که طاعون از جن‌ها و از زیادی معصیت خصوصاً کثرت زنا به وجود می‌آید، رد می‌کند. ممکن نیست که از کثرت زنا طاعون به وجود آید، اما ممکن است از طریق جن به انسان سرایت کند، چون بدن انسان از خاکست و بدن جن از هوا و هوا هم متعفن شود باعث طاعون می‌شود. شیطان هم که از جنس جن است به شکل هوا است و یا هوا به درون انسان می‌رود و با خون مخلوط می‌شود و وارد همه رگ‌های بدن می‌شود، حتی حکیم به سخنان اهل شرع رجوع می‌کند اگر اعتدال مزاج در حال خود باقی بماند عفونت هوا باعث طاعون و بیماری‌ها وبایی نمی‌شود و روی بدن تأثیرگذار نمی‌شود. پس باید اعتدال مزاج حفظ شود تا از ضرر عفونت هوا و بیماری طاعون ایمن شد و از همه بیماری‌های وبایی سالم ماند (۱۲).

۳-۵. محیطی: در دوره شیوع بیماری وبا هوای خانه باید معطر باشد تا عفونت را دفع کند مثل کافور، صندل، نیلوفر، برگ بید، برگ مورد. برای سردی و خشکی هوا باید به جای آب، سرکه و گلاب در اطراف خانه پاشید تا در هوا اثر کند و عفونت را از بین ببرد و اگر سرکه با گلاب مخلوط شود، بهتر است. در طاقچه‌ها باید ترنج، نارنج و لیمو، سیب، به و امروند بگزارند تا بوی پوست آن هوا را معطر کند. پوست ترنج خاصیت زیادی در دفع عفونت دارد. سیبی میان تهی شود و میان تهی آن با گلاب و عنبر پر شود و بر روی آتش بگذارند تا خانه و دماغ معطر شود و عفونت هوا را ببرد، البته بهتر است

ولی سرایت آن را از طریق هوا می‌دانستند که انتقال هوا باعث انتقال و شیوع عفونت و آلودگی می‌شود و باید در جایی قرار گرفت که جا به جایی هوا وجود داشته باشد و اگر نباشد، البته در مسیر این جا به جایی هم قرار گرفت. در جامعه گذشته که امکان شناخت سرمنشأ بیماری وجود نداشت آن را به عوامل ماورایی هم نسبت می‌دادند و آن را ناشی از معصیت می‌دانستند و راهکارهایی که برای در امان ماندن و پیشگیری وجود داشت، حفظ سلامتی بدن با دو روش تقویت بدن و عامل روانی بود. با خوراکی‌ها و آشامیدنی‌هایی که ممکن بود در برابر بیماری مفید واقع گردد، بدن را تقویت و از سوی دیگر با جلوگیری از وهم و ترس و وحشت بدن را در برابر بیماری ضعیف نکرد. علائم بیماری طاعون را می‌شناختند، اما آن را در زیر مجموعه هوای وبایی و تب وبایی قرار می‌دادند که جزء بیماری‌های مسری بود، اما علت اینکه ورم‌ها به چه علت در برخی اندام ظاهر می‌شود، به حدس و گمان متوسل می‌شدند.

مشارکت نویسندگان

سجاد دادفر: ایده مقاله، تنظیم و نگارش مقاله.
پروین رستمی: جستجوی نسخه و منابع، تنظیم و نگارش مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

با گلاب تنها پر شود و گاهی با گلاب و صندل و گاهی با گلاب و مشک و کاه. دلیل پراکندن عطریات در هوای وبایی فساد و آلودگی هوا از جن‌های بسیاری است که در هوا پراکنده‌اند. برای تسخیر جنیان و دفع ضرر آن‌ها به وسیله ادویه‌های معطر بخور می‌کنند و جنیان را از خانه با این عطریات دور کند (۱۲).

نتیجه‌گیری

در مکتب طب سنتی ایران همیشه پیشگیری مقدم بر درمان بوده است. این‌گونه مطالعات داروهای با منشأ طبیعی را معرفی می‌کند که در جهت ارتقای سطح پیشگیری از بیماری‌ها بر مبنای آموزه‌های طب سنتی است (۱۳). تأکید اصلی این کتاب نیز بر پیشگیری است و حاوی ۲ نکته برجسته از سوی طبیب برای حفظ سلامتی و درمان است. نخست اینکه هوای آلوده عفونت را انتقال می‌دهد و راهکاری که برای عدم انتقال عفونت بیان شده ایجاد جریان هوا است و هوای پاک جایگزین هوای آلوده می‌شود، اگرچه برای عدم انتقال بیماری توصیه شده که از شهری به شهر دیگر و از مکانی به مکان دیگر برای حفظ سلامتی از شیوع بیماری وبایی و طاعون مسافرت نکرد، زیرا حتی هوایی که از دهان بیمار خارج می‌شود و باعث آلودگی هوا و عفونت می‌شود؛ نکته دوم توجه به روان انسان‌ها در معرض شیوع بیماری و بیمار است. برای تقویت بدن در برابر بیماری نباید ترس و وحشت از بیماری داشته باشند، در غیر این صورت اگر بیمار شوند آن‌ها را هلاک می‌کند و یا احادیث، روایات، داستان‌ها و موسیقی به وجودشان آرامش ببخشند تا دفع بیماری کند. با تقویت بدن ممکن است فردی در معرض هوای آلوده قرار گیرد، اما بیمار نشود.

ضرورت نگارش کتاب‌های طبی در باب طاعون در قرن دهم قمری / شانزدهم میلادی به علت پاندمی طاعونی بود که چند قرن تمام اروپا و آسیا را فراگرفته بود و سعی در ارائه راهکارهایی جهت پیشگیری و درمان این بیماری وجود داشت. عوامل و سرمنشأ این بیماری در گذشته شناخته شده نبود،

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Afrand M. Bacterial infectious diseases, Harrison Internal Medicine. Tehran: Chahr Publications; 1977. p.231-232. [Persian]
2. Saebi E. Infectious Diseases in Iran. 2nd ed. Tehran: Rozbahan Publications; 1988. p.407, 413. [Persian]
3. Jaladat AM, Mostafavi E. Diagnosis, treatment and reports of plague outbreaks during Islamic civilization. *JITM (Quarterly)*. 2017; 8(2): 223-230. [Persian]
4. Parghu MA, Alipoor Silab J. Plague in Safavid Iran. *Social History Studies (Quarterly)*. 2017; 7(1): 33-55. [Persian]
5. Kasiri M, Afsharifar R. Analysis of the Spread of Plague in Iran, Interval and Timurid Period (1336-1506 A.C). *History of Islam and Iran (Quarterly)*. 2015; 24(24): 121-138. [Persian]
6. Nasri Roudsari S, Khodadost M, Babamahmoudi F, Nasiri E. Diagogis and treatment of cholera from the viewpoint of Persian medicine physicians. *JITM (Quarterly)*. 2018; 9(1): 25-36. [Persian]
7. Ahmadian Attari MM, Shirzad M, Mosaddegh M. A new look to chapter of "Vabaie Weather" in Iranian Traditional Medicine. *JITM (Quarterly)*. 2013; 3(4): 406-423. [Persian]
8. Dinparast V. The role of Iranian elites in the development of Iran-Ottoman relations in the fifteenth century. *Studies of International Cultural Relations (Quarterly)*. 2017; 1(4): 57-68.
9. Elgud C. Medical history of Iran and the lands of the Eastern Caliphate. Tehran: Amir Kabir Publications; 1977. p.396.
10. Elgud C. Medicine in the Safavid period. Tehran: University of Tehran; 1978. p.85.
11. Haidarzadeh T. Migration of Iranian scholars to the Ottomans (Transfer of Iranian school traditions to that land, from the early Timurid period to the late Safavid era). *Farhang (Quarterly)*. 1977; 20&21: 49-94. [Persian]
12. Mohammad Hakim Mobarak. Maintaining health or Soleimani's Letter of advice. Manuscript. p.1-140. [Persian]
13. Zare F, Mosavat SH, Atarzadeh F, Jaladat AM. "Plague" in Tradition Persian Medicine and Modern Medicine. *Medical History (Quarterly)*. 2018; 9(32): 85-95. [Persian]